

## ولی فقیه و «مهندسی نظام»

زینت میرهاشمی  
خامنه ای و خاتمی در سالگرد مرگ خمینی در دفاع از ارزشهای ارتجاعی وی بیاناتی ایراد کردند. هر دو همبستگی صنفی و عقیدتی خود را حفظ کرده و از بنیانگذار رژیم ولایت فقیه نهایت تحسین را به عمل آوردند.

خاتمی، خمینی را از «اصلاح گرایان بزرگ و از سرآمدان حرکت اصلاحی» معرفی کرد. رئیس جمهور نظام ولایتی، خواستار آن شد که چهره خمینی را در «زمینه ی سیصد سال اصلاح گری در دنیای اسلام» ارزیابی کنند.

خاتمی با ارائه چنین تصویری از خمینی زیرکانه، بر آن است تا احیای «اسلام» خمینی را الترناتیوی در برابر بنیادگرایی قرار دهد. خمینی، نظام او و بازماندگانش که بر اریکه قدرت هستند، عین بنیادگرایی اسلامی هستند. استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، سیاستهای حمایت گرانه آن از نیروهای تروریست و بنیادگرا در منطقه و جهان، دقیقا به رشد تروریسم و بنیادگرایی در منطقه کمک کرده است. محصول استقرار چنین نظامی، سرکوب نیروهای دموکراتیک و مترقی ایران بوده است. پس بر خلاف حرفهای آقای خاتمی، احیای «اسلام» خمینی نه الترناتیو بنیادگرایی بلکه خود بنیادگرایی است. تا جایی که به شخص خاتمی بر می گردد واضح و آشکار است که از تمامی جنایاتی که خمینی به نام اسلام و تحت عنوان فتوا و یا حکم حکومتی، بر سر مردم ایران و نیروهای مترقی آورد، آگاه است. قتل عام زندانیان سیاسی، تجاوز به دختران باکره قبل از اعدام، درآوردن چشم، گرفتن خون زندانیان و تمامی جنایتهایی که کلمات از به تصویر کشیدن آنان شرم می کنند در شمار اندیشه های «اصلاح گرایانه» ای قرار دارد که خاتمی از جمله مدافعان پیگیر آن می باشد.

خامنه ای به مناسبت چنین روزی، به دفاع از ولایت فقیه پرداخت. او در برابر تنفر عمومی مردم از جایگاه ولایت فقیه و شخص او، می گوید: «دشمنان و عده ای از مجذوبان آنها، سعی می کنند ولایت فقیه را، به دروغ، حکومت مطلقه فردی بنامند...»

وی مانند چوپان دروغگو در جمله ای دیگر خلاف حرف خود را می زند. او جایگاه ولایت فقیه را «مهندسی نظام، جلوگیری از انحراف به چپ و راست و حفظ جهت صحیح کشور» بر می شمارد. با توجه به نقش ولایت فقیه در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی و صفاتی که رهبر نظام برای آن برشمرد، بار دیگر تاکید بر نقش ارتجاعی و قدرت مطلقه ولایت فقیه است.

۱۵ خرداد ۸۳

## ادبیات ایران در هزاره دوم

بقیه از صفحه ۱۷  
با ۱۶۸۹ میلادی در حوالی دستگرد و درگز متولد شد. نادر در کودکی یتیم شد و در ایام نوجوانی و جوانی زندگانی سخت و فقیرانه ای را سپری کرد. کار او در این دوران هیزم کشی و فروش هیزم بود. در همین ایام بود که او و مادرش به اسارت طوایف ازبک در آمدند. مادر نادر در اسارت مرد و نادر پس از چهار سال موفق به فرار شد.

نادر در سن هجده سالگی به خدمت فرماندار ایبورد، بابا علی بیگ احمد لو افشاردر آمد و به دلیل شجاعت و جنگاوری و تیز هوشی مورد توجه بابا علی بیگ قرار گرفت و با دختر او ازدواج کرد.

در هرج و مرج دوران شاه سلطان حسین صفوی و حمله محمود افغان به ایران، یکی از گردنکشان و نامجویان به نام ملک محمود سیستانی که خود را از نسل سلسله باستانی کیانیان میدانست با سازماندهی ارتشی ده هزار نفره موفق شده بود در مشهد حکومتی مستقل ایجاد کند. نادر پس از مدتی به خدمت ملک محمود سیستانی در آمد و به عنوان سرداری از سرداران او مامور حمله به ازبک هائی که به طوایف خراسان را مورد حمله قرار میدادند گردید. او که از قدرت جسمی و تهور زیادی برخوردار بود و بخصوص در زمینه نظامی، سپهسالاری تیز هوش و برجسته بود ازبکها را شکست داد و پس از شکست ازبکها خواستار نیابت ایالت خراسان گشت ولی مورد خشم و عتاب فرمانروای مشهد قرار گرفت و به دستور ملک محمود مضرروب گردید و رانده شد.

نادر پس از رانده شدن از دربار ملک محمود با جمع آوری و سازماندهی شمار زیادی از جنگجویان به عیاری و راهزنی پرداخت و پس از مدتی آوازه اش در سراسر خراسان پیچید. در ادامه کار، نادر کلات را که بعدها به نام کلات نادری معروف شد تسخیر کرد و آنجا را مرکز نیروهای خود قرار داد.

نادر پس از تسخیر کلات با حمله به بخشی از نیروهای ملک محمود نیشابور را بنام شاه طهماسب تسخیر کرد و با این کار نظر شاه طهماسب را به خود جلب کرد. آوازه پیروزی های نادر، شاه طهماسب را به

خراسان و به اتحاد با نادر کشاند. در اثر این اتحاد شمار زیادی از قبایل و طوایف خراسان و بویژه کردهای اطراف خوشان - قوچان کنونی - به ارتش نادر پیوستند.

قتل فتحعلی خان قاجار رئیس ایل قدرتمند قاجار - با رای مشترک شاه طهماسب و نادر - که از رقبای شاه طهماسب و نادر بود راه ترقی نادر را صاف کرد.

پس از قتل فتحعلی خان قاجار در ۱۴ صفر ۱۱۳۹ هجری مطابق با ۱۷۲۶ میلادی، نادر پس از دو ماه و نیم محاصره مشهد موفق شد قوای ملک محمود سیستانی را شکست بدهد. ملک محمود پس از شکست تاج و تخت خود را تسلیم شاه طهماسب کرد و خود در یکی از حجره های حرم درویشی پیشه کرد. نادر با آنکه مذهب تسنن داشت پس از فتح مشهد به زانند کردن صفه ها و مناره های آستانه رضوی پرداخت و پسر خود رضا قلی میرزا را مسئول تمام کار کرد و خود برای ازدواج با دختر یکی از روسای کرد که قبلا او را برای خود نامزد کرده بود روانه خوشان شد، پیش از نادر اما شاه طهماسب دختر را به عقد ازدواج خود در آورده بود و این باعث کدورتی عمیق میان شاه و نادر شد. خانواده و ایل دختر که متوجه شدند میان شاه و سردارش بر سر دختر رقابت وجود دارد از تسلیم دختر خود داری کردند و این ماجرا به محاصره قلعه، جنگی خونین و شکست کردها و ازدواج نادر منجر گردید.

نادر در بازگشت به مشهد چون به اسنادی دست یافت که در آنها ملک محمود سیستانی به شورا نندن کردها علیه شاه طهماسب و نادر دستور داده بود ملک محمود را کشت و پس از آن به دفع و سرکوب افغانهای ابدالی پرداخت و آنها را شکست داد.

نادر پس از دفع افغانهای ابدالی در سه جنگ که به پیروزیهای درخشان انجامید - و پیش از این به آنها اشاره شد - به ماجرای حکومت افغانها در ایران پایان داد. بعد از این پیروزیها، دفع دولتهای روس و عثمانی و پیروزیهای درخشان نادر در جنگ با عثمانی، تسخیر افغانستان غربی و پیروزیهای دیگر نام او را هر چه بلند آوازه تر کرد و نام او را به عنوان ناجی جدید ایران بر زبانها انداخت.

(ادامه دارد)

## شانه ی سرد قوه قضاییه رو به هیات اتحادیه اروپایی

منصور امان

به موازات بروز پاره ای مشکلات در معامله سیاسی جمهوری اسلامی با اتحادیه اروپایی پیرامون پرونده اتمی رژیم، آمادگی ملاها برای همکاری در حواشی تبلیغاتی آن همچون مساله حقوق بشر نیز به گونه محسوسی کاهش گرفته است. این امر را به ویژه می بایست هیات اروپایی گفتگو کننده با جمهوری اسلامی در این باره، تجربه کند.

سخنگوی قوه قضاییه، پیش از انجام هر گفتگویی، چشم انداز سفر هیات مزبور را به گونه ناامید کننده ای ترسیم نموده و بدین وسیله زمین زیر پای شرکای اروپایی که قوه قضاییه و اقدامات آن را مهمترین شاهد و سند "تغییر در وضعیت حقوق بشر در ایران" معرفی می کنند، خالی کرده است. هنوز تبسم رضایت از چهره ی کارگزاران اتحادیه اروپایی پس از تغییر کاغذین حقوق شهروندان ایرانی محو نگشته که آقای غلامحسین الهام، دریچه پندار به هر شادمانی دیگری را به روی آنان می بندد. دورانی که آیت الله شاهرودی بخشنامه خویش پیرامون منع شکنجه و بدرفتاری با متهمان و زندانیان را با هلهله و جنجال صادمی کرد تا نتایج سیاست موثر اتحادیه اروپایی را به سود آن جعل کند، گذشته است و اینک گاه یادآوری این حقیقت رسیده که معامله یک سره جوش نمی خورد.

در این راستا، سخنگوی آیت الله شاهرودی، "شخصا" نتیجه گفتگوهای اخیر را "هیچ" ارزیابی می کند و اختلاف شرکا را اینگونه توضیح می دهد: "ما کار خودمان را می کنیم و آنها هم کار خودشان را." وی سپس لازم دیده که با اشاره به "تفاوتهای مبنایی در دیدگاه های اسلامی و غربی" اندکی نیز بازار گرمی کرده و نرخ را بالا ببرد. آقای الهام در این کوشش آشکار زیاده روی نموده و کمی بیش از حد لازم پیشخوان را به عقب می کشد. او از جمله با جدیت علت نفی میثاقهای حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی را "خدا محوری" عنوان می کند و در حالیکه از فرط استحکام استدلال خویش به شوق آمده و به سختی می تواند خود را کنترل کند یک گام فراتر رفته و تاکید

بقیه در صفحه ۱۹